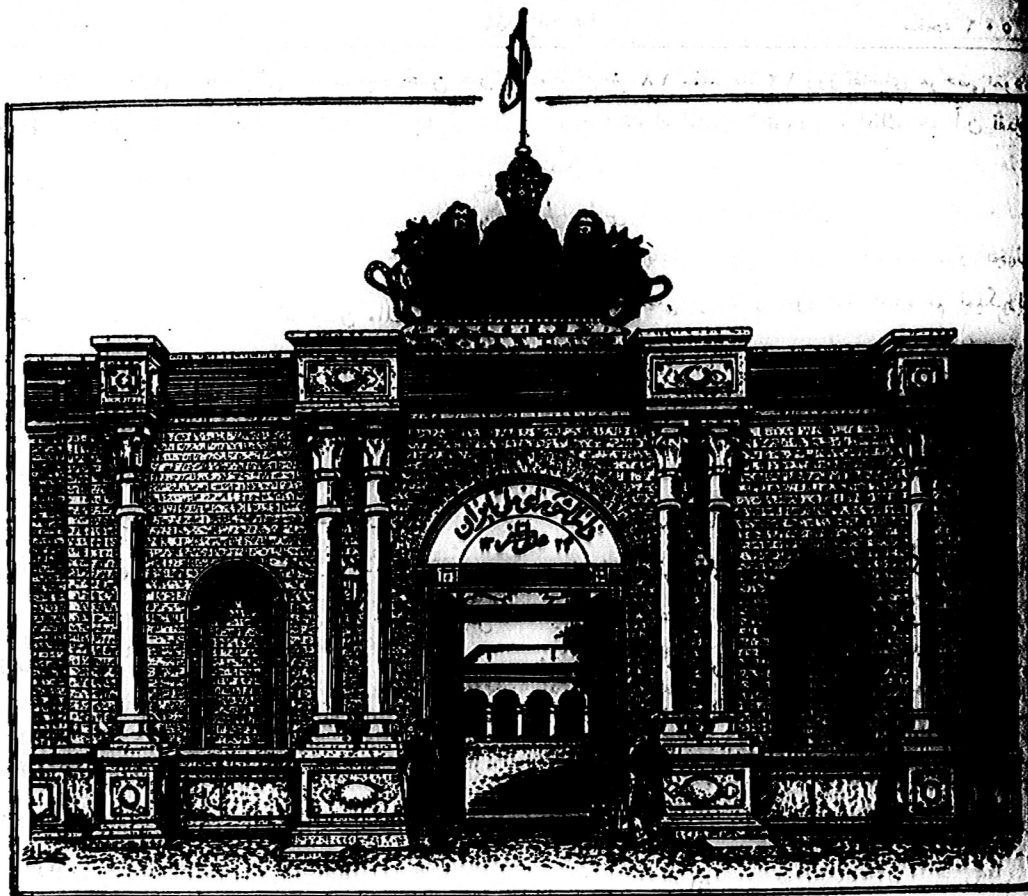


دوره هفتم تقنینیه

جلسه	<h1 style="font-size: 2em;">مذاکرات مجلس</h1>		شماره
۳۱			۳۲
تاریخ تأسیس آذر	مندرجات	قیمت اشتراك	
۱۳۰۵	فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی	داخله ایران سابقه ده تومان	
جلسه پنجمین ۲۳	خواهد بود	خارج ۴ دوازده تومان	
اسفند ماه ۱۳۰۷	—•—•—•—		
مطابق ۲ سوال الکریم	پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود	قیمت تک شماره	
۱۳۴۷	مطبوعه مجلس	تک فرات	



مذاکرات مجلس

دوره هفتم تقنینیه

صورت مشروح مجلس يوم پنجشنبه ۲۳ اصفند ماه ۱۳۰۷ مطابق ۲ شوال المکرم ۱۳۴۷

جلسه ۳۲

غائبین با اجازه جلسه قبل
آقایان : عبدالحسین خان دبیا - الفخمی - آشتیانی
مصباح فاطمی - ذوالقدر - تیمور نیش - محمدآخوند
غائبین بی اجازه جلسه قبل

(مجلس یکساعت و نیم قبل از ظهر
براست آقای دادگر تشکیل گردید)
(صورت مجلس ليله يكشنبه نوزدم
اصفند را آقای اورنگ قرائت نمودند)

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	تصویب مرخصی های آقایان ارباب کیخسرو (دوازده روزه) - حیدری (یک ماهه) دبستانی (چهارده روزه) - امیر ابراهیمی (یک ماهه)	۵۰۶	۵۰۷
۲	شورائی و تصویب قانون معافیت ورود نقره از حقوق گمرکی	۵۰۷	۵۱۶
۳	قانون آزادی ورود نقره و طلا و معافیت آنها از تأدیه حقوق گمرکی	۵۱۶	

آقایان: حیدری - طباطبائی دیبا - میرزا حسن خان وایق - محسن خان قراگوزلو - عمادی - پالیزی - اکبر میرزا مسعود - الفت - موقر - قوام - حاج رحیم آقا - میرزا ابوالفضل - امیر حسین خان (پهلوان) محمد تقی خان اسعد - آقا رضا مهدری - شیخ علی مدرس حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک - ارباب کیخسرو شاهرخ -

در آمدگان با اجازه جلسه قبل
آقایان: کاشانی - ظفری -

در آمدگان بی اجازه جلسه قبل
آقایان: طهرانی - غلامحسین میرزا مسعود

رئیس - آقای امیر حسین خان در صورت مجلس فرمایشی دارید؟

امیر حسین خان - چون بنده را غایب بی اجازه نوشته بودند خواستم عرض کردم باشم که بنده اجازه خواسته بودم و بمقام ریاست هم تقدیم کرده بودم

رئیس - آقای پالیزی بنده هم مریض بودم و از کمیسیون بودجه اجازه خواسته بودم حالا بنده نمیدانم کمیسیون غفلت کرده اند یا اعمال نفوذ خصوصی کرده اند.

رئیس - آقای عمادی بنده هم میخواستم عرض کنم که قبلا اجازه خواسته بودم

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست (گفتند - خبر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد چند فقره خبر مرخصی رسیده است قرائت میشود. (بشرح ذیل قرائت شد)

نماینده محترم آقای ارباب کیخسرو بواسطه دستور ساختمان مقبره فردوسی مجبور بحرکت به آن صوب شده

و از تاریخ ۱۸ اسفند ماه ۱۲ روز تقاضای مرخصی نموده کمیسیون تقاضای ایشان را تصویب و اینک خبر آن تقدیم میگردد

رئیس - آقای فیروز آبادی فیروز آبادی - چون آقای ارباب کیخسرو بجهت ساختن يك بهیچلی بیرون و حقوق فوق العاده هم نمیکیرند بنده مخالف نیستم

رئیس - آقایانیکه با مقام این خبر موافقت قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)
خبر مرخصی آقای حیدری

نماینده محترم آقای حیدری بموجب تلگرافی که بمقام منبع ریاست عرض نموده بواسطه گرفتاری و انجام امور شخصی و نوعی موکلین خود تقاضای یکماه تمدید مرخصی از تاریخ یازدهم اسفند ماه نموده اند کمیسیون تقاضای معزی الیه را تصویب و اینک خبر آن تقدیم میگردد

رئیس - آقای روحی روحی - موافقم
رئیس - آقای ملک مدنی ملک مدنی - موافقم
رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - چندی قبل آقای حیدری اجازه مرخصی خواسته بودند حالا برای کار خودشان یا ملت بنده نمیدانم ولی همینقدر میدانم که کار ملت را بایستی در اینجا کرد بنده با آن مرخصی ایشان مخالف بودم با این هم مخالفم آقای حیدری باید بگفندی هم ملاحظه بکنند که لااقل حقوق نگیرند بلکه بعقیده من باید شرافت انسانیت ایشان هم مانع از گرفتن حقوق باشد آخر شرف سر هم مرخصی خواستن با استفاده از حقوق بنده گمان نمیکند سزاوار باشد این است که کاملا مخالفم سید مرخصی وثوق (مخبر کمیسیون) - آقای حیدری

بموجب تلگرافی که کرده اند مرخصی ایشان برای يك کارگانهائی بوده است که مصلحت بوده است در محل توقف داشته باشند و راجع بموکلین خودشان هم بوده است و البته حالا نمیخواهم در اینجا تصریح کنم ولی برای يك اختلافی بوده است که مجبور بوده اند در اینجا بمانند تا رفع آن اختلافات بشود به این جهت کمیسیون هم با مرخصی ایشان موافقت کرد.

رئیس - رای میگیریم بمرخصی آقای حیدری آقایان موافقین قیام فرمایند

(اکثر برخاستند)
رئیس - تصویب شد.

خبر مرخصی آقای دبستانی نماینده محترم آقای دبستانی از مرخصی بیست روزه سابق بواسطه مسدود بودن راه و لو رسیدن بمقصد نتوانسته اند استفاده نمایند و تقاضای چهارده روز تمدید مرخصی نموده کمیسیون تقاضای معزی الیه را تصویب و اینک خبر آن تقدیم میگردد

رئیس - آقای فیروز آبادی فیروز آبادی - بنده خیلی متاسفم که مرخصی ها در وقتیم يك مرخصی بود حالا يك مرخصی دیگر هم بهش چسبیده شده بنده نمیدانم یعنی چه؟ خوب اگر آقایان کار شخصی دارند بروند بی کار خودشان ولی حقوق نباید بگیرند. چرا سیصد تومان از خزانه مملکت میگیرند؟ خیال کنند چهار روز بیشتر برای ملت کار کردم اند بنده گمان میکنم که این قضیه از مجلس بیرون برود و سرمشق جاهای دیگر بشود

رئیس - آقای روحی روحی - عرض کنم که آقای فیروز آبادی با مرخصی مخالفت میکنند و چون عادت کرده اند بنده هم به ایشان حق میدهم بنده هم موافقم که باید به کار حق داد ولیکن تصدیق فرمائید که اگر نماینده حقوق نخواهد اصلا

رئیس - تصویب شد خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع بقانون فقره مطرح است (بشرح ذیل خوانده شد) کمیسیون قوانین مالیه در پیشنهاد آقایان اورنگ و فرشی مطالعه و دقت نموده بملاحظه اینکه نظر آقایان امروز هم محفوظ است لذا ماده الحاقیه را لازم ندانسته و

میشیند خانه اش و او را می نویسند غایب بدون اجازه مثل حاج حسن آقا ملک که اجازه هم نمیکیرد و حقوق هم نمیکیرد آقای دبستانی به کرمان رفته اند و خواسته اند برگردند راه مسدود بوده است بنده از آقای فیروز آبادی میپرسم در يك موقعی که راه بکلی مسدود است بچه وسیله میتوان حرکت کرد؟ بنا بر این حضرتعالی خواست موافقت فرمائید و بقیه بدانید که آقایان نمایندگان انجام وظیفه را بر هر چیزی مقدم میدانند

رئیس - آقایان موافقین با مرخصی آقای دبستانی قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد

خبر مرخصی آقای امیر ابراهیمی نماینده محترم آقای امیر ابراهیمی بواسطه کسالت مزاج و گرفتاری شخصی مسافرت خود را بکرمان لازم دانسته و تقاضای يك ماه مرخصی از تاریخ حرکت نموده کمیسیون تقاضای معزی الیه را تصویب و اینک خبر آن تقدیم میگردد

رئیس - آقای مؤید احمدی مؤید احمدی - موافقم
رئیس - آقای روحی روحی - موافقم
رئیس - آقای دکتر طاهری دکتر طاهری - موافقم

رئیس - مخالفی نیست آقایان موافقین با این مرخصی قیام فرمایند (اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع بقانون فقره مطرح است (بشرح ذیل خوانده شد) کمیسیون قوانین مالیه در پیشنهاد آقایان اورنگ و فرشی مطالعه و دقت نموده بملاحظه اینکه نظر آقایان امروز هم محفوظ است لذا ماده الحاقیه را لازم ندانسته و

رایز آن را تقدیم میدارد .
 رئیس - ماده الحاقیه پیشنهادی آقای بوشهری قرائت میشود
 (مضمون ذیل خوانده شد)
 بنده پیشنهاد میکنم ماده الحاقیه ذیل اضافه شود :
 دولت مکلف است در موقع تسلیم نقره به ضرابخانه برای تبدیل آن به سکه رایج مملکت صدی ده علاوه بر حق الضرب معمولی کنونی از آورنده آن دریافت نماید
 رئیس - آقای بوشهری
 بوشهری - اولاً از حضور آقایان نمایندگان محترم استدعا میکنم در این مطلب مهم اجازه بفرمایند در اطراف ماده الحاقیه پیشنهادی خودم يك قدری بیشتر توضیح بدم . با آزادی ورود نقره همالطوریکه دولت لایحه آورده ما کاملاً موافقیم که ورود نقره آزاد باشد برای اینکه تشویقی از صنایع ایران بشود . ولی اگر نخواهند این نقره را بیاورند به ضرابخانه که تبدیل به سکه رایج مملکت بشود البته آن موقع دولت باید در نظر بگیرد که باعث تنزل نقره نشود . امروز بواسطه قیمت شمش در اروپا میخواهیم نقره وارد کنیم بدون پرداخت گمرک (چون گمرک را دولت برداشته است) اگر بخواهیم نقره را در ایران آورده و سکه کنیم تقریباً برای هر هزار مثقال نقره که از اروپا بخواهیم بیاوریم هفده لیره و شش شلینگ باید پول بدهیم . در مقابل این هزار مثقال ضرابخانه هزار و بیست و پنجقران بما سکه قران بدهد میشود هر لیره شش تومان و سه قران و چهار صد دینار یا با صد دینار مخارج حمل و گرایه و بیمه و حق تنزیل شش ماهه ششمه برای معطلی سکه شدن کسر میشود و تقریباً پنجاه و شش قران و چهار صد دینار یا ده شاهی برای آورنده نقره باقی میماند مسلم است با این ترتیب چون نقره حکم مال التجاره را دارد بمحض اینکه این قانون تصویب شد تجار البته می بینند که دولت از یکطرف منع کرده ورود سکه را پس معلوم میشود وسائل سکه کردن را خودش دارد

از يك طرف هم قیمت نقره را سلجش میکنند با قیمت قرانی که در اینجا عایدشان میشود می بینند نقره وارد کنند يك مقداری عایدشان میشود بمقدار زیادی نقره وارد مملکت ما میشود . این نقره را اگر دولت سکه کند برای مردم البته فوراً لیره ترقی میکند و پول ما تنزل خواهد کرد تنزل پول هم باعث تنزل زندگانی ما خواهد شد چون صدی پنجاه صدی شصت مخارج هر فرد ایرانی بیرون باب اجناسی که از اروپا می آید بواسطه ترقی لیره شاید زندگانی مان صدی ده تا صدی پانزده تفاوت میکند زون افراد هم بهمان تناسب تفاوت خواهد کرد چون واحد پول ما امروز نقره است ثروت افراد از روی طلای دنیا باید تقویم شود اگر امروز يك ناچری را دارای پنجاه هزار تومان ثروت یا سرمایه میدانند این را همیشه به لیره یا طلا در نظر میگیرند و اگر لیره چهار تومان و هشت قران پنج تومان و شش قران شد البته بهمان تناسب کسر خواهد شد و اعتبار آن ناچر هم تفاوت خواهد کرد صادرات ما هم چون نسبت بواردان کتر است این کسر و نقصان صادراتمان هم زیاد خواهد شد بنده پیشنهاد کردم در موقع ضرب سکه دولت يك صدی ده اضافه از حقوقی که امروزه میگیرد دریافت کند . اگر این صدی ده را ما از هزار و بیست قران موضوع کنیم دولت بیبایستی هر هزار مثقال نقره بیست و دو قران و ده شاهی بصاحب شمش بدهد با این ترتیب که حساب کنیم مطابق مظنه امروز لیره در حدود پنج تومان باقی خواهد ماند و این يك موضوعی است که دولت باید نسبت به لیره در نظر بگیرد که پول ما در حدود و اطراف پنج تومان نسبت به لیره تعبیر شود .
 اگر این پیشنهاد بنده اجرا شود عایدات دولت را هم باید به بینیم چه خواهد شد . بموجب احصایه وزارت مالیه در سیصد و شش سه میلیون تومان در طهران در ضرابخانه سکه شده است .
 شش میلیون هم اجازه داده شده در خارجه سکه شده و باایزاف آمده این نه میلیون میشود . اگر دولت در

بفایده هزار و هشتاد و نهصد و بیست و دو قران و ده شاهی بدهد .
 اگر در روز تومانی عایدات دولت خواهد شد علاوه بر اینکه در هر روز عایدی مسلمی برای دولت پیدا شده جلوه آوری از تنزیل پول ما هم خواهد شد . هزار مثقال نقره که به ضرابخانه می رود هزار و صد و سه قران و ده شاهی بیرون میدهد . در ضرابخانه سیصد و بیست و دو قران که بدهند به حاجت بخش برای هر هزار مثقال که صد تومان باشد هیچده تومان و دو قران عاید دولت میشود .
 اگر این سکه را به میلیون باشد سه میلیون هم که باشد باز يك یکپهلو خواهد خواند عایدات دولت میشود .
 حالا با کسر دولت نتوانست سکه کند این نقره را که وارد میشود باز هم يك ضرر فوق العاده ب مردم خواهد خورد . قانونی هوائل قبل راجع به منع خروج طلا از مملکت ایران در مجلس شورای ملی تصویب شد . همه انتظار داشتیم شاید این قانون طلاهایی که در مملکت ما وارد شده برای ما نگاهدارد و در دست ما بماند ولی نتیجه بعکس داد .
 سابقاً يك مقدار زیادی لیره طلا از سرحدات شمال وارد مملکت ما میشد و از طرف غرب خارج میشد در حين عبور يك استفاده هائی به اهلی میداد حق خود دولت هم يك استفاده از بابت حمل و نقل و بیمه از آنها میگرفت . این قانون که تصویب شد لیره ها دست مردم ماند در داخل هم که رواج نداشت ناچار هم که نمیتوانست روز و عده براتش بگوید من لیره طلا دارم از طرفی هم نمیتوانست آنها را برای فروش بخارج حمل نماید این بود که بطور قاچاق آن لیره ها را خارج کردند . از طرف شمال هم وقتی دیدند بازار لیره در ایران کساد است دیگر وارد نشد و تمام لیره ها در دست مردم ماند و يك ضرر هائی بردند بعد هم لیره ها خارج شد و جایش هم چیزی در دست مردم نماند . شاید اگر آقایان در دست وقت فرموده باشند تا دو سه سال پیش چندین میلیون عیب لیره در دست مردم بود ولی امروزه شمال در بازار طهران پنج هزار لیره اکیه لیره بپیدا میکنند پیدا نمیشود . بنده در کمیسیون

این توضیحات را حضور آقای وزیر مالیه عرض کرده به بنده فرمودند خوب صدشش که ما بیشتر گمرک نمی خواهیم از بین ببریم چرا تا بحال تجار نقره وارد نمیکنند خواستم جوابشان را عرض کرده باشم که مظنه تفاوت میکند . امروز ارزان تر از آن روز است . امروز دست و شش یعنی يك الس نقره است . صدی شش گمرکش بر ما هم که حساب کنید لیره برای آورنده شمش چهار تومان و هشت قران الی نه قران دست می آید و چون مظنه لیره هم در طهران در همین حدود بود مسلماً صرف نمیکرد ولی امروز پنج تومان عاید آورنده شمش است . مسلم است امروز که این قانون تصویب شد فوراً مقدار زیادی نقره خواهند آورد . عرض کردم اگر دولت سکه نکند حکم طلا را پیدا میکند و ناچار مجبور میشود شمش را بدهد يك اشخاص و بيك قیمت بخش بفرود و در مرتبه آن نقره را بطور قاچاق از مملکت خارج کنند .
 بعضی از نمایندگان - صحیح است
 وزیر مالیه - مذاکراتی که نمائنده محترم راجع موضوع اضافه حق الضرب البته آقایان تصدیق میکنند که اضافه کردن يك مبلغ عایدی برای دولت خصوصاً اگر آن حسابی را که نمائنده محترم این جا کردند صحیح بود و تطبیق میکرد با جریان کار این یکی از موضوعاتی است که هیچوقت يك وزیر مالیه با آن مخالفت نخواهد کرد مگر اینکه يك معایب باطنی دیگری داشته باشد که این ظاهر او را بیوشاند و ممکن باشد عوض اینکه نفعی از این کار برسد يك زحمتی هم ایجاد شود . این جا يك نکته هست این نکته را بایستی قبلاً حل کرد به بینیم اصل ضرب و ضرابخانه آیا مال دولت هست یا نه ؟
 کازرونی - مال دولت است .
 وزیر مالیه - بسیار خوب يك مملکتی که واحد پولش نقره است ضرب نقره یکی از وظائف و خصایص آن مملکت باید باشد . پس در حقیقت ضرب کردن پول نقره که واحد رسمی مملکت است یکی از اعمال دولتی و خزانه داری دولتی باید باشد . حالا میخواهیم

به بینیم چه بوده آنچه شده و از کجا این عمل پیش آمده است ضرب نقره این طور بوده که بک تاجرو بک مؤسسه‌ای نقره را میتوانند برون بخرید بدین ضرایبانه و ضراب خانه هم بک حق ضربی می‌گیرند و برایشان سکه می‌کنند و پس می‌دهد خود این عنوان حق ضرب کسوفت از آنها بمنزله جواری است که دولت برای استفاده نکردن از این حق انحصاری خودش باین شکل بک جفی می‌گیرد و جواز میدهد این است دیگر چرا این طور بوده برای این بوده است که این ضرب کردن را اگر دولت با رسائی که داشت میخواست حق انحصاری خودش بکنند و باین حق انحصاری عمل کنند و این حق انحصاری را در خرید نقره حمل نقره و ضرب آن اعمال کنند ممکن بود تولید بک ضرر ها و مشکلاتی برای دولت بکنند از حیث اینکه دولت بک تاجرو بک عامل خوبی بوده و وسائل این کار را نداشته حالا اگر ما بیایم این حق ضرب را آطور می‌دهیم که آقا پیشنهاد میکنند صدمی ده علاوه کنیم باید دید در ضمن این نظر در ضمن این رأی ما این حق را از خودمان سلب نمیکنیم و قسمی این حق را واگذار نمیکنیم که مجبور باشیم هر کس آمد و صد بیست بمان داد برای او ضرب کنیم ؟ اما امروز اینطور نیست اگر ما مصلحت مملکت را بک روزی در این به بینیم که سکه نقره باندازه کافی داریم و نباید ضرب کرد ضرب نمیکنیم اینجا ضرایبانه بک کار خانه عادی نیست که مزد بگیرد و برای مردم کار کند اینطور نیست ضرایبانه برای احتیاج مملکت سکه نقره بیرون میدهند اگر بک وقتی ما لازم نداشته باشیم دیگر سکه نقره بیرون نمیدهد این بک مطلبی است که باید کاملاً درش دقیق بود و رعایت کرد که عکس العملی در قضیه برای ما پیدا نشود بلی اگر آقایی بوشهری نظرشان این باشد که میگویند سهولت ورود نقره در مملکت ما نقره را در بازار ما ارزانی میکنند و ارزانی نقره موجب این میشود که پول خارجی که بیاچشد خلاص است و روی لیره با دلار حساب میشود

این پول قیمتش بالا می‌رود و ما بجهت حق اقیم آنوقت این را میخواهند بکار کنند ؟ میخواهند از بک راهی بپوری بکنند که از زیاد آوردن نقره جلو گیری شود برای اینکه نقره ارزان نمیشود اصل و ریشه فکر این است حالا اگر ما این ریشه فکر را صحیح ندانیم این ریشه فکر را اصلاً وارد ندانیم این زحمت بکلی رفع میشود حالا به بینیم این ریشه فکر صحیح است یا نه صحیح نیست زیرا واحد پول دنیا همانطوریکه ایشان فرمودند طلا است و این هیچ حرف نیست هر جایی هم که واحد بک پولی نقره باشد این واحد پول نقره مناسب قیمت نقره است بطلا در جزر و مد است این هم صحیح است اما حالا باید به بینیم که اساساً قیمت نقره نسبت بطلا کجا معلوم میشود و روی چه اصل است درست آقایان بعرض بنده توجه فرمایند قران در مملکت ما هیچوقت ارزان نمیشود برای اینکه پول مملکت ما است و بک قران که فلا تقدر هم عیار دارد همیشه توی بازار ما این شکل بگوئیم قیمت بک متقال نقره با آنقدر عیار از نقطه نظر مسکوک رای مملکت ما همیشه بک قران است حالا میخواهیم به بینیم لیره ۵۳ قران و ۵۲ قران شدنش با ۴۹ قران ۴۸ قران با ۶۰ قران و ۶۲ قران شدنش بواسطه کمی و زیادای نقره در طهران و در بازار مملکت ما است باه حرف سر این است نقره مملکت ما کیش و زیادش بالنسبه بکمی و زیادای نقره در دنیا نایز سفر است قیمت نقره مثل قیمت برات مثل قیمت آکسیون در بورس لندن هر روز بک نرخ است همینطور که آقا گفتند نرخ امروز بک پنس گرانتر از امروز بود و امروز بک پنس در آن نقره باین آمده این یعنی چه ؟ یعنی هر روز در بورس لندن بک انس نقره فلا تقدر پنس قیمت داشته باشد این حاکم بر بازار دنیا است حالا آنجا این قیمت از کجا گذاشته میشود ؟ روی وجود نقره روی کمی و زیادای نقره روی حوالج نقره اما نه در طهران و در ایران بازار اول نقره مملکت چین است مملکت چین در دنیا

بزرگترین بازار نقره است حالا ارقامش پیش بنده نیست چطو هم ندارم و بک ارقام صحیحی را نمیتوانم اینجا بگویم بکنم در عالم مقایسه وقتی ما حساب میکنیم می بینیم از حیث ارقام نقره در درجه اول در چین است بعد در درجه دوم در هند بعد در نقاط دیگر و نقاط دیگر آریا بعد آن آخر آخر برسد با احتیاج ما که اصلاً قابل مقایسه با نقره دنیا نیست معادن نقره کم شدن و زیاد شدنش هیچ مربوط بهما نیست پس قیمت نقره در لندن روی احتیاجات و کمی و زیادای بازار طهران معین نمیشود روی کمی و زیادای نقره در دنیا و احتیاجات دنیا معین نمیشود و اجد طلا و نقره هم روی آن پایه در دنیا می‌زنند و این اصل واقع و حق مطلب است حالا برویم سر بک چیز دیگر که آقای بوشهری خواستند قبلاً جواب بنده را بدهند از این جهت بنده توضیح بدهم برای اینکه آقایان تصدیق کنند که این جواب قطعی سؤال مقدر بنده (که سؤال مقدر هم نبود برای اینکه قبلاً به آقایان عرض کرده بودم) تطبیق با آنچه بنده عرض کردم نمیکند ایشان بک حسابی کردند این حساب را قبل از ایشان خود ما هم کردیم قبل از اینکه این لاجه را اصلاً بپولس بیآوریم با خود اعضاء کمیسیون قوانین مالیه که اینجا نشریف دارند یکی دو جلسه مذاکره کردیم مخصوصاً بنده به آقایان اطلاعات دادم از روی ارقام که از روی اطلاع بحث کنند نرخ نقره که در لندن چنانکه گفتیم معلوم میشود در آن تاریخ که بیست و هفت پنس یا بیست و شش پنس و نیم بود (بنده رقم نمیتوانم عرض کنم برای اینکه اشتباه نشود در آن تاریخ ما هرزحقی که بود وقتی میزان قیمت نقره را نسبت بلیره میکردیم و خرج حمل بایران را حساب میکردیم حق ضرب را حساب میکردیم تنزیل پولش را حساب میکردیم همه اینها را که حساب میکردیم میدیدیم که تطبیق نرخ سابق با نرخ آن روز از نقطه نظر بازار طلا در طهران مثلاً باید پنجاه و پنجقران باشد در

صورتیکه لیره ۴۹ قران بیشتر بود این تفاوت از کجا می‌آید و علتش چیست ؟ بک سؤال استفساری خیلی بزرگی است ملاحظه فرمایید علت چه بود ما از روی مقایسه خواستیم بک جوابی برای این پیدا کنیم فکر کردیم که این چیز کوچکی نیست چطور است که پول ما نسبت بطلا بیش از قیمت واقعی نقره قیمت دارد در صورتیکه واحد نقره است و نقره مال التجاره است حسابهایش را که میکردیم نفع و تنزیل و بیمه و کراهه همه اینها را که حساب کردیم باید مساوی در بیاید پس این سری که ما داریم نسبت بلیره این از کجا آمده در این بحث و تحقیق کردیم به متخصصین خودمان رجوع کردیم به رئیس بانکمان رجوع کردیم تحقیقات از جاهای دیگر کردیم از متخصصین داخلی خودمان تحقیق کردیم آمدیم در ضمن عمل از بیست سال سی سال قبل این دو رقم و تنزل را با هم مقایسه کردیم قیمت واقعی نقره را نسبت بلیره مقایسه کردیم به بینیم در ادوار مختلفه چه نایز اینها نسبت بهم داشته اند روی هم رفته نتیجه که ما از این موضوع بدست آوردیم این بود که قیمت ملاحظه فرمائید دو مطلب شد بک قسمت اول این شد که قیمت واقعی نقره نسبت بلیره مربوط بقیمت واقعی نقره در ایران نیست این محرز بعد رسیدیم قیمت لیره و قران به بینیم قیمت لیره نسبت به قران در ایران مربوط نیست و چه صورتی دارد با قیمت واقعی نقره که دیدیم تطبیق نمیکند برای اینکه امروز دیدیم ما سرداریم و بک ادوار گذشته را هم که ما مقایسه کردیم دیدیم گاهی برعکس بوده و این مکرر اتفاق افتاده که تطبیق با قیمت واقعی نقره ندارد علتش این است (بدون اینکه بشود بطور قطع واز روی رقم معین کرد) که بک حوادث و قضا و عوامل دیگری مؤثر در این قضیه بوده است که تنها عوامل واضح و آشکار نقره نیست عوامل تجارنی است عوامل اقتصادی است این یکی از دلایلی است که نباید میکند عرایضی را که چندی قبل آکره خاطر آقایان باشد در پشت همین زبیر

مجلس حکوم را جمع ایواردات و تصانیفات بجهت
 و مطالبی بک قرائتی که در خدمت آن است و محاسباتی که
 میکنند نمیتوانیم ارقامی را بکشیم از سرحد ما وارد و خارج
 میشود با هم بسنجیم ولی حقیقت امر را که نگاه میکنیم
 می بینیم که صادر و وارد ما با هم با موازنه میکند یا باید
 کلیت صادر ما بیشتر است
 کارزونی - صحیح است .

وزیر مالیه برای اینکه اگر اینطور نمی بود این بسا
 چیزهایی است که باید صورت دیگر بگیرد و نمیگردد
 در صورتیکه ارقام ظاهری کمتر را که ما نگاه میکنیم
 می بینیم جمع صادرات آن از واردات آن خیلی پایین تر
 است . اگر نجات ما متخصصین اقتصادی ما بمان فلواهر
 خواهند نگاه کنند اینها البته از جقای همیشه دور
 خواهند بود جقای را باید از کلیه و جاهه مسائل
 پیدا کرد . بنده مثل برابکان میزنم فلان صندوق را بک
 وفق از کمتر ما بیرون میبرد و فلان قیمت را روی
 آن میکذاریم و میکوییم این را بک بیست من یا بیست
 چهار من است فلانقدر هم قیمتش است این هم تا کش
 است هیچکدام اینها صحیح نیست برای اینکه آنچه که
 وزش است مخلوط دارد بیست و چهار من تریاک که
 میگوید درازده من تریاک دارد و آن قیمت که در آنجا
 همین میشود ناچر میبرد دو برابر آن قیمت میفروشد
 سه برابر آن میفروشد این پولش کجا می رود؟ پولش می آید در
 مملکت ما پس بک عوامل دیگری در کار هست از قبیل عوامل
 اقتصادی عوامل تجاری و چیزهای دیگر مثلا بک مردمی
 در این مملکت شما میخواهند پول خرج کنند کار دارند
 اینها چه جور پول خرج میکنند در مملکت شما؟ باید
 لیره بفروشند قران بخرند این در هیچ اداره مملکت ما
 و در هیچ دفتری معلوم نمیشود در صورتیکه بک میلیون
 دو میلیون سه میلیون لیره در سال از پول خارج قران
 خریدم میشود در مملکت ما صرف میشود که در هیچ
 دفتری و هیچ اجناسی ما اینها را نمیتوانیم پیدا کنیم
 و مقایسه کنیم پس روی هر فته این قیمت تلوی را هم

ما باید در نظر بگیریم که به آنها قیمت لیره را نسبت بطلا
 بازار ما معلوم نمیکند بلکه اصل تناسب قران به لیره در
 مملکت ما پایه اش باقی آنها قیمت واقعی نقره نیست بلکه
 بک عوامل دیگری هم درش هست و آن عوامل است که
 تاثیر میکنند و در صورتیکه از روی حساب لیره باید ۵۸
 قران یا ۵۹ قران یا ۶۰ قران باشد کمتر است . حالا
 ملاحظه بفرمایید بک مرزیه شامی بنیید در عرض بازده
 روز بیست و دو لیره دو قران سه قران ارقی میکنند چرا
 چه شده؟ چه اتفاقی افتاده است؟ نقره تنزل کرده است
 ایدا . تناسب تنزل نیم پنس با بک پنس در بازار لندن در
 بک لیره هم که امروز در بازار ما بک قران و سی شاهی
 تغییر نمیکند چنانچه ما دلیل برایش داریم از روی نرخ
 بورس لندن در بیست سال و سی سال پیش چه چیز است
 بک مرزیه بک مشرقی پیدا میشود مجبور میشود در بازار
 طهران بک میلیون نیم تومان لیره بخرد و این لیره را بفرستند
 بلندن طبعاً این تقاضا عرضه را بالا میبرد بحکم کلی اقتصادی
 و همین رقی که اخیراً لیره در طهران کرده روی همین
 اصل بوده و بواسطه بک معامله که بک خارجی بابک
 نفر خارجی کرده در طهران در حدود بک میلیون و نیم
 تومان لیره خریده شده و طبعاً این کار لیره را رقی
 میدهد ولی این بک رقی نیست که اساس و دوام داشته
 باشد بلکه ممکن است قوس تنزلی پیدا کند و پایین
 می آید .

کارزونی - در موقع فروش

وزیر مالیه - بل همینطور است پس اگر آقایان
 درست دقت فرمایند ملاحظه خواهند فرمود که ما
 نمیتوانیم بان صافی و سادگی و مجرد نگاه کردن بظاهر
 بک امری در این قضایا بک حکمی بکنیم زیرا این
 قبیل قضایا خیلی عمیق و مربوط بیک چیزهای خارج
 و خیلی عوامل دیگر است که ما خودمان هنوز نفهمیده ایم
 بلکه آنهایی هم که بهتر از ما می فهمند هنوز نتوانسته اند
 بک قسمت هایی را بفهمند و ادراک کنند و خیلی تعمق
 و فکر لازم است اما مسئله تفاوتی نیست در بعدی که آقای

کشوری خیلی سهل گرفتند آهم اگر درست ملاحظه
 فرمایند این طور نیست ملاحظه فرمایند ما
 آمده ایم این جا میگوئیم از تاریخ تصویب این قانون
 نبود شما نش در صد پول کمتر را جمع به نقره
 یا نخواهید داد اگر بک لیره چهار هزار پنج هزار شش
 هزار نفع کرد آن شش در صد را هم بکنند رویش
 پول حساب بیمه و کرایه آن وقت ممکن است نفعش از
 پنج قران به چهار قران سه قران تنزل کند ولی بالاخره
 هیچ پیشوایان سوال آقای اگر وارد باشد و اگر همینطور
 نیست که فرمودند پس باید توام مملکت معلوم از نقره باشد
 اگر شما نمی خواهید از نقره نفع ببرید؟ خوب شش
 هزار ببرید چهار هزار ببرید . شما میگوئید امروز بواسطه
 اینکه صد شش از خرج این کار کاسته میشود بنده هم موافقم
 اما کمتر بودن نفع که وجود نفع را نفی نمی کنید

اما با بک جدید شش تمام اعلانات را می خواهید
 ایجاد کنید . صد شش بک نفع عادی هر معامله است
 نفع خیلی قلبی هم هست بک صد شش این قدر زیاده
 لوالی در معامله داشته باشد . من بک چیز دیگر خدمتشان
 عرض میکنم (بک دفعه دیگر هم خدمتشان عرض کرده ام)
 مطابق بر این هم ورود نقره آزاد بود ولی با بک بقیار
 حقوق کورکی . ما بک مؤسسه داریم که آن مؤسسه
 بدون حقوق کمتری نقره را وارد نمیشود ولی حالا که
 ما این قانون را وضع میکنیم همه را معرفی میکنیم . چون
 هر مؤسسه تجاری و اقتصادی مقبولش این است که
 بتواند ببرد . آب مؤسسه هم که این صد شش را
 بپردازد خیلی میل داشت نفع برد و شاید بیشتر . از
 دیگران هم می خواهد نفع برد برای اینکه اگر نقره
 زیاد و ارزان شود قیمت قرب نسبت به لیره تنزل
 خواهد کرد و بک نفعی هم از این راه ممکن است برد
 با بک نفعی از راه دیگر ببرد پس چطور شد که تمام
 بازار ما از نقره لیره؟ پس معلوم میشود اینطوریکه
 در هر دوید و حساب کرده اند نسبت ورود نقره هیچ
 باطل نمی خواهد و همیشه آزاد بوده و همین این یکی

از اشتباهات است تفاوت معامله فقط در این جا است که
 سابقاً صد شش بک مرکز میدان و حالا دیگر نمیدهد
 حالا برویم سر مسئله سکه - پس از جهت ورود بک
 و صد شش آقایان نبودن میفرمایند که قضیه قضایای نمیکند
 آقای راجع به سکه فرمودند که اگر دولت بیکه تکلیف
 شش سی ماند دست ناچر و او هم سکه بزند و دیگری
 میدهد بنده عرض میکنم اصلاً تجارت معنیش این است
 که انسان بک معامله بکند که از آن نا حدی که
 ممکن است نفع برد و وقتی در بک جائی دید نفع نمید
 دیگر تجارت نمی کند اگر این حکم طبیعی در دنیا نبود
 رقابت در تجارت و اصل عرضه و تقاضا اصلاً وجود پیدا
 نمیکرد شش نقره را ما با ناچر برای چه میخریم و
 کرایه میدهیم و بیمه میکنیم؟ برای این است که از
 آن نفع ببریم . خوب نفع از چه؟ ما پیش خود ما ب
 حساب کرده ایم و دیدیم ضارخانه شش را سکه کرده و
 بعد آرا لیره میکنیم و میبریم لندن و در لندن میفروشیم و در
 سه قران فائده میبریم . این بک مسئله و بک راه فائده
 بک مسئله دیگر اینکه شش را ما بخریم میفروشیم به زنجانی
 و اجنهائی و ادقلم بزند و در آن کار و صنعت میکنند و
 فائده میبرد . توام این عملیات را من که ناچر نا آن روزی
 که فائده ببرم خواهم کرد ولی آن روز و دقیقه نا فائده
 که دیدم دیگر وارد کردن نقره برای من که ناچر فائده
 ندارم و بکنم . حالا این فائده بدانستن ما بواسطه این
 نسبت که نقره در بازار زیاد شده است و فائده نمیکند
 ما هر چه بیست در هر حال من دیگر وارد نمیکند ناچر
 در هر دقیقه آن کسی است که همیشه اوقات وقایع آتی و
 سود آتی را پیش بینی کند و حساب کند نه اینکه پس از
 وقوع واقعه گریه کند . در این صورت همه ورشکست
 میشوند هر که این حال را داشته در دنیا خواه ناچر
 خواه سیاسی بالاخره محکوم میشود به ورشکستگی . در
 تجارت سیاسی یا اقتصادی هر کسی که پیش بینی و حساب
 داشته باشد و عوامل کار را درست در نظر داشته باشد و
 روی آن فکر کند و حسابش ماه یکسال بعداً بکنند و فوق

میشود و الا ورشکست خواهد شد. خوب فرض بفرمایید شمش نقره آزاد و هی بیار بیار جز اینکه بک کرور در آخر کار اسان ورشکست بشود نتیجه دیگری نداره این اصلا چه کاری است آنوقت اسم بک چنین شخصی را که ضرر بکند ناچار نمیشود گذارد.

اما آ مدیم بر سر اینکه آقا فرمودند منع خروج طلا و تصویب قانونش بک ضرری بما زده برای اینکه بک مقدار لیره در مملکت ما سابقا میآمد و حالا بکلی منع شده این اظهار نماینده محترم مثل این است که بک مقدار زیادی لیره در این مملکت میآمده و این قانون جلوش را گرفته و همینکه این قانون نسخ شود فوراً سیل لیره در این مملکت ساری و جاری میشود در صورتیکه این طور نیست آنوقت که لیره می آمد و میرفت بنا بر بک مقتضیاتی بود و آن مقتضیات ایجاب میکرد که لیره وارد مملکت ما شود و آن در موقع جنگ بین المللی بود بعد از جنگ هم نا مدنی باز آن مقتضیات موجود بود و بواسطه مخارجی که داشتند لیره را بار میکردند و میآوردند اینجا و باین واسطه طلا ارزان شده بود ولی این مسئله دلیل بر این نیست که چون ما قانون منع خروج طلا را گذرانده ایم فوراً طلا در رفت اگر طلا فرار است در هر حال فرار میکنند اگر ما ورود طلا را منع کرده بودیم میفرمودید تقصیر ما است مطلب دیگر حالا ما میخواهیم به بینیم اگر موجب بک دلائل و براهین در واقع ثابت شود که اگر ما در ب خروج طلا را باز و آزاد میکشائیم طلاها این جامی ماند در صورتیکه بنده دلیلی برایش نمی بینم و غیر از این جریالی که دارد تصور نمیکنم جریالی و راه دیگری داشته باشد اگر حتماً باید طلا بزود میسرود و اگر حتماً لیره باید از شمال بیاید میاید. حالا بنده میخواهم وقت آقایان را زیاد صرف کنم خیلی هم عذر میخواهم که درین قسمت مفصل عرض کرده اما چون بک مطالبی است که ظاهر جالبی دارد و ممکن است در بک اشخاص بک تأییدی بکنند که در

خارج کوش میدهند و بک توضیحاتی را در مقابل نمی شنوند. این بود که بنده لازم دانستم و ناچار بودم این توضیحات را بعرض آقایان برسانم و عرض کنم که بنده با اضافه کردن حق الضرب مخالفتی ندارم اما به خود آقای بوشهری عرض میکنم که شما نخواهید که بنده بک چیزی را قانونی بکنم که مضر باشد و عکس العمل بد داشته باشد شما این اصل طبیعی را قبول داشته باشید که حق الضرب مال من است و این حق الضرب را من در عایدات هر ساله خودم معین میکنم و حق الضرب را در بودجه بجمع میآورم. مگر هیچ قانونی شما دارید که حق الضرب من باید صدی دوازده باشد بنده که همچو قانونی سراغ ندارم اگر شما سراغ دارید بفرمائید باز از آن شما هنوز قانونی ندارید که در مملکت معلوم و مشخص کند که مثلاً بک قران مساوی است با بک مثقال نقره که صد ده عیار دارد. ولی اینها بک اعمالی است که از روی سوابق و عمل معلوم و ایجاد شده و ناشی از عملیات دولتی بوده و طرز ی بوده که نا کنون دولت بان عمل میکزده و شما هم تصدیق ضعیف کرده اید این کار بک تربیتی دارد و مدت منجادی هم در ایام مشروطیت بدان عمل میشده و ثابت شده که مثلاً بک قران بک مثقال نقره است. پس این حساب از روی عمل برای ما معادله شده

بک چیز دیگری بنده می خواستم عرض کنم و آن این است که تمام این عریاضی را که بنده کردم ممکن است بک وقایعی پیدا شود که در آتیه ظاهر را طور دیگری نشان و جلوه دهد و در این صورت هیچ مانعی ندارد که بنده بیایم خدمتتان و عرض کنم که آن چیزی را که ما فلان طور پیش بینی کرده ایم باین ملاحظه فلان طور شده است و فلان طور باید اصلاح بشود و اصلاً حسن قانون هم همین است این حساب ها و قوانین برای معادله کردن است در صورتیکه به عقیده بنده این معادله کردن را خود طبیعت میکند و هیچ محتاج به قانون هم نیست اما فرض بفرمائید بک روزی برای معادله

نقره با قران شما مجبور شوید حق الضرب را زیاد بکنید در این صورت باز قضیه هیچ اشکالی ندارد و این خودم این کار را می توانم بکنم در هر حال مردم باید بدانند که این ضرب سکه حق من است و حق مردم نیست و این درست مثل قانون انحصار زبک می ماند. مگر پس از قانون انحصار زبک تجارت زبک حق کسی است؟ خبر. این حق دولت است منتهی بر حسب اجازه که بنده دارم می توانم به نهار جواز بدم و هر سال هم با ایشان میگویم که فلان قدر حق جواز بدهید و بیایید جواز بان را بگیرید

رئیس - رأی میگیریم. قابل توجه بودن پیشنهاد آقای بوشهری. آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند (چند نفر قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. مذاکره در کلیات است مخالفی نیست؟

آقا سید بقوب - بنده عرض دارم. رئیس - بفرمائید.

آقا سید بقوب - در آن ماده که اکثریت مجلس رأی داد و بهدرفت به کمیسیون حالا در این جا باید تأیید بان رأی گرفته شود. برای اینکه این پیشنهادی که کرده شد که اسکناس های تقلبی نباید در مملکت باشد در مجلس قابل توجه شد بهدرفت به کمیسیون و کمیسیون او را قابل توجه دانست و حالا تأیید باید رأی گرفته شود. راجع به خود لایحه هم اگر مقام ریاست میخواهد مطابق خبر کمیسیون رأی بگیرد آنوقت بنده بک عریاضی دارم که باید عرض کنم بیات مخبر کمیسیون قوانین مالیه - در این قسمتی که آقای آقا سید بقوب فرمودند اگر درست توجه بفرمائید ملاحظه می کنند که از طرف مقام ریاست احتیاجی بگرفتن رأی ندارد اگر کسی تأیید آن پیشنهاد را طرح کند آنوقت باید رأی گرفته شود و الا اگر از طرف آقایان پیشنهاد نشود دیگر محتاج بگرفتن رأی از طرف مقام ریاست نیست.

رئیس - آقای میرزا بانس. میرزا بانس - بنده در لایحه عرض دارم.

رئیس - حالا نوبت شما نیست. آقای فهیمی فهیمی - موافقم. رئیس - مذاکره در کلیات است. بعضی از نمایندگان - مخالفی نیست. رئیس - رأی میگیریم بقانون ورود نقره با ورقه آقایان موافقین ورقه سفید خواهند داد.

(در این موقع اخذ و شماره آراء بعمل آمده هشتاد و شش ورقه سفید تعداد شد)

رئیس - عده حاضرین نود و پنج قانون آزادی ورود نقره با هشتاد و شش رأی تصویب شد.

- اسامی رأی دهندگان - آقایان: مرآت اسفندیاری - فهیمی - شیرانی - حاج میرزا حبیب الله امین - ناصری مرتضی قلیخان بیات - سید حسین آقایان - دکتر امیراعلم شهداد - کلانی - دریانی - سید کاظم بزدی - اسکندری بیات ماکوئی - همراز - مسعودی - لاریجانی - دهستانی - خواجوی شریعت زاده - کاشانی - عامری - ملک زاده - دستانی دکتر لقمان - ضیاء - ملک مدنی - ظفری - افسر - مفتی فولادوند - مجدضیائی - محمد ولیمبرزا - طباطبائی و کبلی فرشی - رهبری - ساکنیان - طالش خان - کازرونی امیر ابراهیمی - رفیع - حاج علی اکبر امین - آیه الله زاده شیرازی - ذوالقدر - رحیم زاده - غلامحسین میرزا مسعود - حکمت - عراقی - هزار جریبی - عدل - مصباح فاطمی - عباس میرزا - میرزا بانس - بزرگ نیا - امین پور محسن - علیخان اعظم - بنکدار - طباطبائی دیبا میرزا عبدالحسین خان دیبا - قاضی نوری - افخمی - شیخ الملک - شریفی - اسدی - فتوحی - روحی - مؤبد احمدی - نوبخت - بالیزی - سید مرتضی وثوق - ملک آرائی - عمادی - مقدم - خطیبی - زوار - شیخ محمد جواد - حاج سید محمود - احتشامزاده - نجومی - محمد علی میرزا دولتشاهی - ابلخان - حسنعلی میرزا دولتشاهی دکتر سنک - طلوع - اعتبار - ایزدی

رئیس - ختم جلسه پیشنهاد شده است. بعضی از نمایندگان - چرا؟

رئیس بطوری که آقایان ملا حظم میفرمایند اصلا اکثریت برای گرفتن رای نیست و بطوری که آقایان مستحضرنند ما قریباً مصادف با عید میشوم و از ششون عید هم تعطیل است و چهاردهم عید هم مصادف با تغییرات در اصل مجلس خواهد بود و یک مدتی لازم است تا کارهای موقه صورت داده شود بنا بر این اگر آقایان موافقت بفرمایند از روز شنبه مرتباً تا روز سه شنبه از سه بظهر جلسه داشته باشیم تا این کارهایی که مرکزیت پیدا کرده تمام تصویب شود و در این فاصله به نتیجه برسیم

آقای عراقی
عراقی اگر اجازه میفرمایید دو شنبه را خوب است تعطیل کنیم ولی شنبه و یکشنبه و سه شنبه و چهارشنبه را بنده هم عرضی ندارم
رئیس اگر موافقت میفرمایید فعلاً شنبه و یکشنبه جلسه شود بعد اگر خود آقایان تصدیق فرمودند در شنبه هم باشد
بعضی از نمایندگان - صحیح است
(مجلس يك راج ساعت قبل از ظهر ختم شد)

قانون

آزادی ورود نقره و طلا و معافیت آنها از تادیه حقوق گمرکی

مصوب ۲۴ اسفند ماه ۱۳۰۷ شمسی

- ماده اول - ورود نقره و طلا اعم از مسكوك يا غير مسكوك آزاد و از حقوق گمرکی معاف خواهد بود تبصره - سكه كردن مسكوك راجع ايران در خارج از ايران از این تاریخ بيمعده ممنوع بوده و اجازه ورود باین قبیل مسكوكات داده نخواهد شد
- ماده دوم - خروج نقره خواه بصورت شمش و خاك ممنوع است باستثنای مصنوعات نقره ايران يا خارجه و مسكوك خارجه
- تبصره - هر مسافری در موقع خروج از سرحدات ملكت میتواند تا میزان دوازده تومان مسكوك نقره همراه داشته باشد

ماده سوم - مقررات ماده اول قانون ۲۴ مهر ۱۳۰۵ راجع بنقره ملغی است اینقانون که مشتمل بر سه ماده است در جلسه بیست و سوم اسفند ماه یکمزار و سیصد و هفت شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر